

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۱۷ اکتوبر ۲۰۲۴

کمبود ها ، دشواری ها و محدودیت های خیزش ژینا

قسمت ششم از سلسله مقالات در رابطه با جمع بندی از خیزش ژینا به مناسبت دومین سالگرد خیزش ژینا علیرغم فداکاری ها، قهرمانی های و جسارت اقشار گوناگون جامعه بویژه زنان و همچنین دستاوردهایی که در بر داشت با محدودیت های جدی روبرو شد که مانعی برای پیشروی و دستیابی به تغییرات مهم و رادیکال در جامعه بودند و باید از سر راه برداشته شوند. خیزش ژینا نشان داد که جانفشانی ها و قهرمانی ها و شجاعت و جسارت برای پیروز شدن و دست یافتن به اهداف انقلابی اگر چه لازم و ضروری است اما کافی نیست. با دریدن دیواره های این محدودیت ها و از سر راه برداشتن برخی از مهم ترین موانع و تلاش ها برای رفع کمبودها، تغییری رادیکال و ریشه ای در جامعه ممکن است. خیزش ژینا این دستاورد را نیز داشت که بر برخی از این محدودیت ها، موانع و کمبودها در مقابل خیزش انقلابی نور بیفکند. برای احترام به این دستاورد و هزینه سنگینی که با خون جانباختگان و زندان و شکنجه تعداد وسیعی از مبارزین انجامیده است باید تلاش کنیم که این محدودیت ها، موانع و کمبودها را مورد بررسی قرار دهیم و برای رفع آنان بکوشیم.

فقدان سازماندهی انقلابی

هر مبارزه و خیزش توده ای که از یک رهبری انقلابی محروم باشد علیرغم پیشروی قادر به در هم کوبیدن ماشین دولتی نظامی حاکم نخواهد شد و به احتمال زیاد توسط امپریالیست ها کنترل و مورد دستکاری قرار می گیرد. دفاع فریبکارانه برخی کشورهای غربی از خیزش ژینا نه دفاعی حقیقی و صادقانه از خیزش بلکه تلاشی برای کنترل آن بود. ملاقات های مکرر با برخی از مرتجع ترین عناصر راست فرصت طلب که به آن نام حمایت از خیزش می دادند در واقع ارزیابی از موقعیت و تدارک توسط قدرت های بزرگ بود که در صورت لزوم کدام یک از این عناصر و یا گروه های مرتجع وابسته به خود را مطرح و بر سر قدرت بنشانند. هر چند که در آن زمان مصمم بودند جلوی پیشروی مبارزات انقلابی را بگیرند و ترجیح می دادند که تا حد ممکن از تغییر رژیم جلوگیری کنند. به عبارت دیگر عدم وجود یک رهبری انقلابی باعث شد که احتمال دخالت امپریالیست ها برای کنترل خیزش را تا حد زیاد افزایش دهد. علاوه بر آن دستگاههای تبلیغاتی از جمله رسانه های وابسته اشان از فارسی زبان و غیره بدون فوت وقت به تبلیغات این عناصر وابسته به امپریالیست ها پرداختند و تلاش کردند که آنها را مطرح کنند.

اما مشکل دیگر این است که فقدان رهبری انقلابی در خیزش ژینا توسط برخی عناصری که خود را روشنفکر می نامند، ستایش می شد غافل از اینکه این مهمترین نقطه ضعف خیزش ژینا بود.

خیزش ژینا نشان داد که یک خیزش انقلابی نمی تواند به خودی خود در مقابل یک هیئت حاکمه سرکوبگر و تاثیرات ایدئولوژیک دشمنان داخلی و بین المللی مقاومت کند. این خیزش هم در مقابل نیروی سرکوب و مانورهای جمهوری اسلامی شکننده بود هم در مقابل مداخلات امپریالیست ها و وابستگان "وطنی" و رسانه های مزدورشان. میل افراد و برخی گروه های اجتماعی به "خودمدیریتی"، "خودسازماندهی" و یا آنچه که بسیاری نام "دموکراسی مشارکتی" و یا این قبیل نام ها بر آن نهاده اند دارای دیدگاه انحرافی و ضربه زننده است. یکم اینکه این نوع سازماندهی حتی اگر ممکن باشد، علیرغم گریز از رهبری شدن و گریز از ایدئولوژی، بدون رهبری و بدون ایدئولوژی نیست بلکه حول خط و ایدئولوژی غالب در جامعه رهبری می گردد. ممکن است حزبی و یا نیرویی آن را مستقیم رهبری نکند، اما هر گونه حرکت خودبخودی که ظاهرا فاقد رهبری و ایدئولوژی است در نتیجه دارای یک برنامه منسجم و برنامه تاکتیکی و استراتژی منسجمی که با دید طبقاتی و بر مبنای منافع توده های زحمتکش، اقشار ستم دیده ترسیم شده باشد نیست در نتیجه قادر نیست که توده های وسیع را برای انقلاب سازماندهی کند، در نتیجه همه آن ها توسط خط و ایدئولوژی مسلط در جامعه رهبری می شوند و شکست آن مسلم است و حتی اگر قادر به تغییراتی در جامعه شود، چنین تغییراتی یا سطحی است و یا بسرعت از دست خواهد رفت و به عقب باز خواهد گشت.

مشکل دیگر اینست که چنین خطی بشدت تحت تاثیر تفکرات و نگرش نئولیبرالیستی است که از طرق مختلف در حال شیوع و رخنه است. یک نوع اغراق در توانایی جوانان و یا دهه هشتادی ها، در تمجید از قدرت "خودسازماندهی"، "خودآگاهی" و "خود رهبری" این سنین تبلور یافت. گفته شد این جوانان نیازی به رهبری، تئوری انقلابی و فعالیت سازمان یافته ندارند و می توانند به اهداف خود دسترسی یابند. در مواردی چنین جهت گیری می تواند بهانه ای برای رها کردن جنبش به روندهای خودبخودی و دنباله روی از بورژوازی باشد.

موضوع این نیست که در خیزش هیچ گونه سازماندهی وجود نداشت، وجود داشت اما در اشکال بسیار ابتدایی آن و در سطح نازلی که متناسب با عظمت این خیزش نبود، همچنین در اشکالی بود که به سرعت به موانع خود برخورد می کرد و کرد. منظور از سازماندهی، سازماندهی از طریق خط و متدی که منطبق بر شرایط موجود باشد که قادر باشد با قدرت حاکم در بیفتد. برای مقابله با رژیم که قدرت سیاسی را داراست و از دستگاه های اطلاعاتی، امنیتی و سرکوب برخوردار است و کلیه امکانات مالی و تبلیغاتی را در دست خود قبضه کرده است، از حمایت های بین المللی هم طبقه ای های خود برخوردار است بدون سازماندهی و سازمانیابی مستحکم نمی توان مقابله کرد. منظور از سازمانیابی مستحکم اینست که: ۱- توانایی متحد کردن بخش وسیعی از توده های مردم را داشته باشد ۲- تحت رهبری یک نیروی انقلابی، متعهد که در خدمت به منافع توده ها و بخصوص زحمتکشان جامعه است، قرار داشته باشد. ۳- توانایی سازماندهی طبقات و اقشار مختلف مردم در تشکلات توده ای و صنفی انقلابی مربوط به خود را داشته باشد.

ضروری است که در مورد سازماندهی اقشار مختلف به دلیل اهمیت آن توضیح بیشتری داده شود. مردم به طبقات و اقشار مختلف تقسیم می شوند و علاوه بر آنکه رنج و ستم های مشترکی دارند، اما تفاوت هایی در شرایط و خواسته هایشان و انگیزه هایشان برای پیوستن به مبارزات دارند. کارگران از شرایط کاری، دستمزد و مسئله معیشتی و مسکن بشدت ناراضی اند، زنان از ستم و تبعیض و فرودستی در جامعه در رنجند و خواسته های خاص خود را دارند، ملیت های تحت ستم علاوه بر ستم طبقاتی، جنسی/جنسیتی از ستم ملی در رنج اند، دهقانان و کشاورزان موضوع زمین، تخصیص آب و کود و یا معضل فروش فرآورده هایشان در رقابت با محصولات شرکت های بزرگ و انحصاری و..

همچنین بازپرداخت وام ها و قرضها را دارند، نویسندگان و روشنفکران و هنرمندان به نوعی دیگر تحت فشار، سانسور و دیکتاتوری قرار دارند. کلیه این مسایل در خیزش ژینا و قبل از آن روشن بود. بنابراین لزوم و ضرورت سازماندهی در دو بُعد در عرصه سیاسی - تشکیلاتی خود نمایی می کند. یکی در عرصه توده ای که به ارتباط و ریشه های سیاسی مسایل و خواسته های ویژه اقشار و طبقات برای بسیج و سازماندهی حول آن مربوط می شود، و بستگی به شرایط ممکن است بتواند فعالیت علنی و یا نیمه علنی داشته باشد. دیگری در عرصه ای که مبارزات در زمینه های مختلف را به طرف مجرای اصلی یک سازمان و یا یک حزب انقلابی واقعی که در اساس به طور مخفی فعالیت می کند، کانالیزه نماید. کلیه این مسایل با یک "خودسازماندهی" و یا سازماندهی های محلی در شرایط خاص و یا منحصر به یک قشر و طبقه خاص قابل حل و جبران نیست.

تمرکز برخی از نیرو ها و احزاب چپ بر بسیج و سازماندهی کارگری است. بسیج و سازماندهی کارگری اگر چه بخشی مهم از پروسه مبارزاتی است اما نمی تواند جایگزین سازماندهی برای یک انقلاب اجتماعی باشد. چرا که در ماهیت خود یک سازماندهی صنفی است و تمرکز بر آن به معنی بی توجهی به مکانیزم های شکل دهنده خیزش ها و تبدیل آن به انقلاب اجتماعی است. در عین این که بی توجهی به بسیج دیگر اقشار و طبقات جامعه که پتانسیل بالایی در مبارزه علیه ارتجاع را دارند می باشد. عدم حمایت کارگران بصورت اعتصاب و یا شرکت در خیزش ژینا و دیگر خیزش های اجتماعی، نشانه هایی است از این واقعیت که مشکل اساسی ای در نوع سازماندهی نیروهای چپ در کل وجود دارد.

مشکل دیگر شیفیت کردن از سازماندهی عملی به شیوه های آسان و از راه دور که رادیو، تلویزیون و اینترنت و شبکه های اجتماعی زمینه های آنرا فراهم کرده اند. بدنبال رشد گرایشاتی در مخالفت با ضرورت یک نیروی رهبری کننده انقلابی، خودسازماندهی نیز رشد می کند. برای خود سازماندهی بسیاری به سوی فضای مجازی روان می شوند. بحث بر سر عدم استفاده از این امکانات نیست، بدون شک از این فرصت ها باید تا حداکثر ممکن استفاده نمود، اما مشکل در آن است که استفاده از امکانات دیجیتال جایگزین و یا در حال جایگزین شدن سازماندهی عملی و میدانی است. مساله این است که فعالیت در فضای مجازی تنها می تواند کمک کننده سازماندهی در دنیای واقعی باشد اما هرگز نمی توانند جایگزین سازماندهی در دنیای واقعی و ارتباط نزدیک و مستقیم با توده های ستمدیده شود. فعالیت در فضای مجازی، میدانی است که دشمن کنترل امنیتی دارد علاوه بر آن هم قدرت اجرایی و هم توانایی تبلیغ دارد و می تواند بر راحتی هر گونه فعالیت و ارتباط را یک باره قطع کند. افراد مورد نظر و ارتباطات را تحت نظر قرار دهد و یا بازداشت کند و ضربات لازمه را در حساسترین شرایط وارد آورد. در حالیکه نیروهای مرتجع با امکانات سایبری کنترل تبلیغاتی و با براه انداختن لشکر سایبری می توانند جو و فضا را به سلطه خود در آورند. پروسه سازماندهی یک رابطه یک طرفه نیست بلکه کنش و واکنش است و در این کنش و واکنش است که ارتباط محکم برقرار می شود و محکمتر می گردد. سازماندهی یک شکل حباب بخود نمی گیرد که بصورت مصنوعی باد کند و در یک آن با سوزنی که در آن فرو می رود باد آن خالی شود. کلید سازماندهی اصولی و علمی در رهبری است که بار دیگر اهمیت و ضرورت آن در این جا مشهود می شود. سازماندهی که لزوما نتایج سریع و بلافصل ندارد، بر اساس و اتکاء به تجارب تاریخی و وفق دادن و منطبق کردن بر شرایط زمانی و مکانی به مثابه هسته ای محکم و استوار ساخته می شود و امکان شنا کردن در میان دریای مبارزات توده ها به آن قدرت می بخشد. در چنان شرایطی است که در کنار و با در نظر گرفتن شرایط می توان از امکانات دیجیتال به منظور تبلیغ و اشاعه نظرات استفاده کرد.

تبدیل فضای مجازی به محیط اصلی پیشبرد سیاست مبارزاتی، ارتباطات و سازماندهی، پایان نهادن بر امکان تغییرات انقلابی در جامعه و سپردن آن به نیروهای ارتجاعی است. متأسفانه گرایش به این شیوه و متد کاری در حال افزایش است. تبلیغات رسانه های امپریالیستی حول چگونگی آغاز آنچه که به نام "انقلاب مصر" در دوره بهار عربی نام گرفت و جمع شدن جمعیت وسیعی از این طریق در میدان التحریره قاهره به توهامات در این مورد دامن زد. خیزش مردم مصر اگر چه اوضاع انقلابی در شرایط دیکتاتوری حُسنی مبارک را عریان ساخت، اما به تغییر انقلابی منجر نشد، تنها یک تعویض قدرت از یک جریان ارتجاعی به یک جریان ارتجاعی اسلامی (اخوان المسلمین) و سپس به یک جریان ارتجاعی دیگر (ال سیسی ژنرال ارتش) را موجب شد چرا که این خیزش از بنیه کافی و استحکام تشکیلاتی برای تغییرات انقلابی برخوردار نبود. به عبارت دیگر از سازماندهی پایه ای توسط یک نیروی انقلابی محروم بود، و سازماندهی سست و ناستوار از طریق فضای مجازی نمی توانست بیش از به قدرت رسیدن نیروهای ارتجاعی اسلامی و ارتش که از آمادگی بیشتری برخوردار بودند، بیانجامد. واقعیت این است، بیش از اینکه مسئله آمادگی نیروهای ارتجاعی مطرح باشد روند خودبخودی به سمت نیروهای ارتجاعی و غالب به جریان می افتد.

علاوه بر آن شبکه های اجتماعی و فضای دیجیتال با سرشار شدن از اطلاعات ناکافی، یکجانبه و غلط و لشگرهای سایبری می توانند عملاً در خدمت نیروهای ارتجاعی با امکانات فراوان قرار گیرند. نمونه های مشخص آن نقشی که در تبلیغ و صعود یک فاشیست به نام ترامپ در آمریکا در ۲۰۱۶ داشت و یا نقش آن در بیرون رفتن بریتانیا از اتحادیه اروپا که خواسته جناح راست بورژوازی حاکم امپریالیستی انگلستان و منطبق بر نظرات فاشیستی و راست افراطی بود. همچنین شیوه اصلی براه انداختن شورش های نژادپرستانه - فاشیست ها در بریتانیا در تابستان ۲۰۲۴ است. اما تا جایی که به خیزش ژینا بر می گردد، بی دلیل نیست که این فضا علاوه بر سایبری های جمهوری اسلامی، همچنین در اشغال سایبری های سلطنت طلبان و سازمان مجاهدین بود که به کمپین های قلابی وکالت، و حملات به نیروها و افراد و تطهیر امپریالیست ها و هورا کشیدن برای جنایات جنگی و نسل کشی اسرائیل بپردازند و در اشاعه و رشد نژادپرستی و آریایی گری، افغانستان ستیزی تا حد اکثر بکوشند و از این طریق فضای مبارزاتی را مسموم کنند.

همچنین دیگر نمی توان این جهت گیری را بی رابطه با اشتیاق به فعالیت های سیاسی فردی، فرار از فعالیت و زندگی جمعی و کلکتیو دانست که از نگرش و ایدئولوژی حاکم تغذیه می شوند. جوانان که نیروی مهم و پرانرژی مبارزاتی و آینده جامعه هستند بیش از دیگران در این عرصه فعالند و طبیعتاً بیش از دیگران تحت تأثیر نتایج ناشی از آن قرار می گیرند و ضربه پذیرتر خواهند بود. بنابراین آنچه در این عرصه مهم است که اهمیت فضای مجازی درک شود اما به آن اندازه که اهمیت دارد، و استفاده درست و در حد لازم از آن صورت گیرد. در عین این که به هیچ وجه نباید تکیه گاه اصلی فعالیت های سیاسی گردد و بهای بیش از حد به آن داده شود، بلکه باید مضرات آن، مشکلات امنیتی، تحلیل بردن سازماندهی میدانی، تأثیرات منفی و تهییج های زود گذر و... هشدار داده شود.

واقعیت تلخ این است که عدم وجود یک رهبری انقلابی بر خیزش ژینا نه امری خوب آنگونه که بسیاری آنرا ستودند بلکه یک ضعف و یک کمبود واقعی و اصلی بود، و همین مسئله راه را برای نیروهای ارتجاعی و وابسته چون رضا پهلوی و مسیح علینژاد و شیرین عبادی و دیگر سلبریتی ها و یا امثالهم باز کرد که با در یوزگی در آستان امپریالیست ها خواب و رویای نشستن بر مسند جایگاه های بالا در قدرت را ببینند به این امید که ممکن است توسط امپریالیست ها و رژیم چنج جایگزین جمهوری اسلامی شوند. هر چند که امپریالیست ها حداقل در دوران خیزش ژینا موافق تعویض جمهوری اسلامی نبودند. اما عدم وجود یک نیروی انقلابی پرولتری که توانایی متحد کردن و رهبری کردن خیزش

های مردمی را به عهده بگیرد به مثابه یک چالش مهم هم چنان در مقابل مردم و نیروهای انقلابی و کمونیستی قرار دارد که برای رفع آن تلاش های سختی را از آنان می طلبد.

هیچ انقلاب واقعی بدون یک رهبری انقلابی متکی بر علم انقلاب که برنامه انقلاب و تغییرات انقلابی را داشته و قادر باشد که نیروهای وسیع جامعه از طبقات و اقشار مختلف را حول آن متحد کند، و در راه و مسیر چنین تغییرات انقلابی رهبری کند به وقوع نخواهد پیوست. واقعیت این است که چنین رهبری از عهده پیشاهنگ پرولتری یا یک حزب کمونیست انقلابی برمی آید. حزبی که بتواند سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را رهبری کند. منظور از سرنگونی انقلابی اینست که رژیم جمهوری اسلامی توسط مردم و از طریق یک انقلاب واقعی سرنگون شود و نه از طریق کودتا و یا جایگزین کردن یک هیئت حاکمه ارتجاعی با یک هیئت حاکمه ارتجاعی دیگری که نمونه هایش بخصوص در چند دهه گذشته بوفور در سطح جهان در ایران، فلیپین، کشورهای عربی در حول وحوش بهار عربی مشاهده شده است. یک انقلاب واقعی برنامه ای برای تغییرات زیربنایی جامعه را در بر دارد که جمهوری اسلامی را به مثابه نماینده طبقه استثمارگر و مناسبات سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم سرنگون کند و جامعه ای را که در آن ریشه های استثمار و ظلم و ستم را هدف قرار دهد جایگزین آن سازد. ادامه دارد⁺⁺

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۳

* - در سلسله مقالاتی که در ارتباط با جمع بندی خیزش زن زندگی آزادی (ژینا) که در آستانه دومین سالگرد آن منتشر می شود، در قسمت اول به ویژگی های این خیزش و زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، همچنین گسستی را که این خیزش از تفکرات مردسالارانه نسبت به مبارزات توده ای قبل نمایندگی کرد، پرداخته شد. در دومین قسمت نقش محوری حجاب اجباری در خیزش ژینا را مورد بحث قرار داد و در قسمت سوم آن به ایدئولوژی و شکاف نسلی در خیزش ژینا پرداخته شد. در قسمت چهارم به این موضوع که خیزش ژینا علاوه بر جمهوری اسلامی که دشمن عمده آن بود دشمنان قهار دیگری داشت که ماسک دفاع و حمایت از خیزش ژینا را بر صورت های خود زده بودند اما ضربات مهلکی بر آن وارد کردند. در قسمت پنجم به دستاوردهای خیزش ژینا پرداخت.

++ در بخش بعدی در قسمت ۷ از جمع بندی خیزش زن زندگی آزادی (ژینا) به معضلات دیگری که این خیزش از جمله مسئله توازن قوا، عدم شناخت از توانایی های دشمن که با آن روبرو بود، پرداخته خواهد شد.

یادداشت: بنا بر برخی ملحوظات این نوشته ویراستاری نشده است. (اداره پورتال)